

طبق این آیه حضرت عیسی مرده است. آیا قیض روح به جز مردن معنی دیگری هم می تواند داشته باشد؟ شما که می گوید عیسی مرده و در پیش خداست. این آیه را چگونه توجیه می کنید؟ فرض کنیم که قول شما درست و عیسی زنده و در پیش خداست. آیا فقط روح عیسی پیش خداست و جسمش نیست؟ اگر اینطور است پس مرده و اما اگر می گوید با جسمش نزد خداست. پس خدا جا و مکان دارد که یک عنصر مادی می تواند به این جایگاه راه یابد در قسمت دیگر این آیه می گوید تا روز قیامت پیروان تو را بر کافران برتری دادم. اگر پیروان عیسی تا قیامت بر همه کافران برتری دارند. چرا دین محمد را برگزینم. دین عیسی را برمی گزینم که تاقیامت بر تر از همه کافران باشم.

آیه 105 این سوره می گوید: (روزی بیاید که گروهی رو سفید و گروهی رو سیاه باشند اما سیه رویان را نکوهش کنند که چرا بعد از ایمان باز کافر شدید. پس اکنون بچشید عذاب خدا را به کیفر کفر و عصیان)

در اینجا روسیاهی به معنی بی آبرویی نزد خدا نیست. چرا که فعل تسود به معنی سیاه می شود می باشد و با اصطلاح روسیاهی که به معنی روسیاهی نزد خداست متفاوت می باشد و این کلمه کاملاً رو سیاهی فیزیکی را تداعی می کند. بنابراین خدا هم یک آبروتاید است و سفیدرویان را بیشتر از سیه رویان دوست می دارد. مگر ایمان مرحله ای از باور نیست که شک و تردید هرگز در آن رسوخ نمی کند و در قرآن گفته شده شیطان هر چقدر بکوشد نمی تواند به قلب مؤمنین رسوخ کند. پس این مؤمنان چگونه دوباره کافر گشتند و جزایشان روسیاهی شد.

آیه 117 می گوید: 0 ای اهل ایمان از غیر همدینان خود دوست صمیمی همراز نگیرید چه آنها که به غیر دین اسلامند از خلل و فساد در کار شما ذره ای کوتاهی نکنند. . . .

مگر در آیات دیگر کتاب یهودیان و مسیحیان به رسمیت شناخته نشد. مگر اصل همه آنها بر یکتاپرستی نیست؟ آیا به خاطر پاره ای از اختلافات کوچک باید از دوست شدن با غیر همدینان خودداری کنیم. با این حساب با کشورهای پیشرفته دنیا نباید داد و ستد کنیم و همواره با کشورهای مسلمان که از همه جای دنیا عقب افتاده تر هستند مراد داشته باشیم و در جهل خود ابد و دهر بمانیم.

آیه 122 این سوره می گوید: (خداوند شما را به حقیقت در جنگ بدر یاری کرد و غلبه بر دشمن داد با آنکه شما از همه جهت در مقابل دشمن ضعیف بودید. . . . و در ادامه در آیه 123 می گوید: ای رسول به یاد آر آنگاه که به مؤمنین گفتی آیا خدا به شما مدد نفرمود به یاری شما 3000 فرشته نفرستاد؟ و در آیه بعدی می گوید: بلی اگر شما صبر و مقاومت پیشه کنید و پیوسته پرهیزکار باشید چون کافران بر سر شما شتابان و خشمگین آیند خداوند 5000 فرشته را با پرچمی که مخصوص سپاه اسلام است به مدد شما می فرستد). چرا این سپاه فرشتگان در جنگ احد جلوی سربازها را برای جمع آوری غنائم نگرفتند و موجب شکست اسلام شدند. چرا امام حسن به حکم این آیه با جنگ به معاویه نپرداخت صد در صد 5000 سرباز خدا (فرشتگان) باید نیرویی ده برابر انسان عادی داشته باشند. چرا این 5000 فرشته به یاری امام حسین نرفتند.

آیه 184 این سوره می گوید: زندگی دنیا به جز متاعی فریبنده نخواهد بود. اما از قدیم گفتند سیلی نقد به از حلوائی نسیه.

سوره نساء:

آیه 2 سوره نساء می گوید: اگر بترسید که مبادا درباره یتیمان مراعات عدل و داد نکنید پس آن کس از زنان را به نکاح خود در آورید که شما را نیکو و مناسب با عدالت باشد. دو یا سه یا چهار و اگر بترسید که چون زنان متعدد بگیرید راه عدالت را نیپیموده با آنها ستم کنید پس تنها یک زن اختیار کنید و چنانچه کنیزی دارید به آن اکتفا کنید.

اول از همه اینکه برای مردان چندین راه برای تعدد زوجات وجود دارد. 1- زن نکاحی تا 4 زن 2- کنیز به تعداد دلخواه 3- زن صیغه اما زن باید تنها به شوهر خود اکتفا کند حتی اگر شوهرش نتواند او را ارضاء کند و بنا به دلایلی نتواند طلاق بگیرد. اگر هم مرتکب خلاف شد بنا بر آنچه در قرآن گفته شده باید آنقدر آنها را در خانه نگه داشت تا بمیرند و بنا بر آنچه سنت مقرر کرده باید با عمل وحشیانه سنگسار آنها را کشت.

در اینجا مردان را مختار می کند که می توانند تا 4 زن بگیرند. اما در آیه 128 همین سوره می گوید شما هرگز نتوانید میان زنانتان به عدالت رفتار کنید هر چند راغب و حریص به عدل و درستی باشید. معلوم نیست چگونه خدایی که خودش می داند هیچ مردی حتی اگر خودش بخواهد نمی تواند با زنانش به عدالت رفتار کند اما باز هم آن را برای مردان قانونی می کند!!!!!!

آیا این پیشوایان دین توانستند عدالت را بین زنانشان رعایت کنند . چنانچه در آیات بعدی خواهیم دید حضرت محمد که پیامبر بود نتوانست نوبت را رعایت کند. اگر امام حسن انصاف را بین زنانش رعایت کرده بود. هیچگاه زنش او را به یزید ترجیح نمی داد. طبق صلحنامه معاویه و امام حسن، قرار بود حکومت پس از معاویه به امام حسن برسد. پس جاه و مقام و ثروت نمی توانست انگیزه قتل باشد. اما طبق آیه 2 این سوره مردان مجازند تنها 4 زن اختیار کنند به شرط اینکه عدالت را رعایت کنند. چرا این پیشوایان از این قاعده مستثناء بودند. حضرت محمد در زمان مرگش 9 زن در خانه او بود و طبق روایات امام حسن فقط 70 زن نکاحی داشت. به جز عده کثیر کنیزان. از حضرت علی 48 پسر باقی ماند.

آیه 10 و 11 این سوره به نحوه چگونگی تقسیم ارث می پردازد.

اول از همه اینکه ارث قانونی نا عادلانه است. چرا باید فرزندان یک شخص ثروتمند بدون تحمل ذره ای رنج کار تمام ثروت پدر را به ملکیت خویش در آورند. چه بسا که در بعضی اوقات این ثروت از راه مشروع کسب نشده و بسیار حق کشی ها و بهره کشی ها و گاهی از راه دزدی این ثروت اندوخته شده است. عادلانه این است که هر کس به اندازه ای که برای زندگیش تلاش کرده از مال دنیا بهره مند شود. اگر شخصی با زحمت مالی اندوخته شایسته نسبت که دیگران بی زحمت از آن استفاده کنند. آیا بهتر نیست که دولت با کشیدن مالیات سنگین بر اینگونه اموال، از آنها برای ضدودن کاست طبقاتی استفاده کند؟

دوم اینکه با خواندن آیه 11,12,178 این سوره متوجه می شویم خدا که به همه علمی آگاه است ریاضیش ضعیف بوده در آیه 11 می گوید: حکم شما در حق فرزندان شما این است که پسران دو برابر دختران ارث برند و اگر دختران بیش از دو نفر باشند فرض همه دو ثلث ترکه است و اگر یک نفر باشد نصف و فرض هر یک از پدر و مادر سدس ترکه در صورتی که میت را فرزند باشد و اگر فرزند نباشد و ارث منحصر به پدر و مادر باشد، در این صورت مادر یک ثلث ترکه و اگر میت را برادر باشد در این فرض مادر سدس خواهد برد. پس از آنکه حق وصیت و دین که به مال میت تعلق گرفته استتنا شود.

بنا به این آیه اگر مردی بمیرد و همسر و پدر و مادر و دو دختر داشته باشد سهم ارث آنان به این قرار خواهد بود همسر $1/8$ مادر $1/6$ پدر $1/6$ دختران $2/3$ اگر نسبتی زیر را جمع کنید متوجه اشتباه این عالم عالمان خواهید شد $1/8 + 1/6 + 1/6 + 1/3 = 2/3$ ملاحظه می فرمایید که کسر بزرگتر از واحد شد.

به آیه 12 توجه کنید:

سهم ارث شما مردان از ترکه زنان نصف است در صورتی که آنها را فرزندی نباشد و اگر فرزندی باشد ربع خواهد بود پس از خارج کردن حق وصیت دینی که به دارایی آنها تعلق گرفته و سهم ارث زنان ربع ترکه شما مردان است اگر دارای فرزند نباشید و چنانچه فرزند داشته باشید ثمن خواهد بود پس از ادای حق وصیت و دین شما اگر مردی بمیرد که وارثش کلاله او باشد (برادر و خواهر امی یا هر خواهر و برادری) یا زنی بمیرد که وارثش یک خواهر یا برادر باشد در این فرض سهم ارث هر یک از آنها سدس خواهد بود و اگر بیش از یک نفر باشد همه آنها ثلث ترکه را به اشتراک به ارث برند.

همچنین در آیه 176 می گوید: ای پیغمبر کلاله فتوا خواهند بگو خدا چنین فتوی می دهد که هر گاه کسی بمیرد و فرزند نداشته باشد و او را خواهری باشد او را نصف ترکه است و او نیز از خواهر ارث برد اگر خواهر را فرزندی نباشد و اگر میت را دو خواهر باشد آنها را دو ثلث ترکه است و اگر میت را چندین خواهر و برادر است در این صورت ذکور دو برابر اناث ارث می برند.

از سه آیه بالا چنین بر می آید که اگر مردی بمیرد و همسر و مادر و خواهرش را به عنوان وارثین به جا بگذارد. بنا بر آیه 12 همسرش $1/4$ و بنا بر آیه 11 مادرش $1/3$ و بنا به آیه 176 خواهران $2/3$ ارث می برند. بار دیگر نسبت ها را با هم جمع می کنیم

اگر همه این نسبتها را در یک عدد ثابت ضرب کنیم و بعد آنها را با هم جمع کنیم ملاحظه می کنید که باز هم کسر بزرگتر از واحد خواهد شد.

در بعضی موارد کسر کوچکتر از واحد می شود. مثلاً زمانی که مرده فقط زنش را به عنوان وارث داشته باشد. که $1/4$ ارث میبرد

مفسرین می گویند علت کمتر بودن سهم زنان از مردان این است که زنان جهیزیه به خانه شوهر می برند و از شوهرانشان نیز ارث می برند. اما مردان نیز از زنانشان ارث می برند بیشتر از آنچه زنان از شوهرشان ارث می برند و تهیه کردن جهیزیه برای آن زمان که این آیه نازل شد هزینه چندان زیادی در بر نداشت. نه یخچالی وجود داشت نه فریزر نه ماکروفر و نه آب میوه گیری. . . . و در این دوران هم هیچ پدری مقید نیست تمام وسایل مدرن امروز را برای دخترش تهیه کند و اگر هم بخواهد جهیزیه کلانی به دخترش هدیه کند با چند میلیون تومان می تواند بهترین وسایل زندگی را تهیه کند و این در

برابر ثروت چند میلیارد تومانی که بعضی از خود به جا می گذارند مقدار بسیار ناچیزی است. بنا بر این نزول این آیه ظلمی است در حق زنان.

آیه 14 سوره نسا می گوید: زنانی که عمل ناشایست کنند 4 مسلمان را بر آنها بخواهید. چنانچه شهادت دادند، در این صورت آنها را در خانه نگه دارید تا زمان مرگشان فرا رسد. یا خدا برای آنها راهی پدیدار گرداند و در آیه بعد گفته شده هر کس از مسلمانان عمل ناشایسته مرتکب شوند چه زن و چه مرد آنها را بیازارید. چنانچه توبه کردند دیگر متعرض آنها نشوید. که خدا توبه خلق می پذیرد و نسبت به آنها مهربان است.

اول اینکه کدام زن احمق کار زشت خود را در حضور 4 نفر شاهد انجام می دهد. دوم اینکه چرا باید شاهدها مسلمان باشند. سوم اینکه چرا حکم نگه داشتن در خانه فقط برای زن خلاف کار صادر شده. چهارم اینکه چرا این حکم به سنگسار تغییر کرده. در آیه بعدی گفته شده اگر آنها توبه کردند دیگر متعرض آنها نشوید. چگونه بعد از حکم سنگسار می توانند توبه کنند.

آیه 18 می گوید: ای اهل ایمان برای شما حلال نیست که زنان را به اکراه و جبر به میراث بگیرید. این آیه به این معنی است که اگر اکراهی در کار نبود. می توانید زنان را هم به ارث بگیرید. یعنی اگر مردی بمیرد و زنی داشته باشد. در صورت عدم اکراه زن پسر می تواند زن پدر خود را به ارث بگیرد. در اینجا با زن مثل يك کالا برخورد شده آیه 22 این سوره می گوید: حرام شد بر شما ازدواج با مادر و دختر و عمه و خاله و دختر برادر و دختر خواهر و مادران رضاعی و خواهران رضاعی و مادر زن و دختران زن که در دامن شما تربیت شده اند و اگر نزدیکی با زن نکرده باشید باکی نیست که با دختر او ازدواج کنید.

چگونه ازدواج با دختر زن فقط به این دلیل که با مادرش همبستر نشده حلال می شود.

آیه 23 همین سوره می گوید: ونکاح زنان محصنه نیز بر شما حرام شد. مگر آنها که متصرف شدید.

این آیه زمانی نازل شد که اکثر زنان به اسارت گرفته شده در جنگ زنان شوهر دار بودند. در زمان جاهلیت هر وقت قبیله ای با قبیله دیگر جنگ می کرد قبیله پیروز دختران قبیله مغلوب را به اسارت می گرفتند. از این رو اعراب آن هم نه همه آنها بلکه فقط قبیله بنی تمیم دختران خود را زنده به گور می کردند تا در جنگها به اسارت گرفته نشوند. اما نزول چنین آیاتی بر ما مسلم می کند. که دین محمد نه تنها رفتار زشت این عربها را سرکوب نکرده بلکه حتی بر اسارت زنان شوهردار و به بردگی گرفتن آنها هم صحنه گذاشته است.

آیه 24 می گوید: هر که را وسعت و توانایی آن نباشد که زنان پارسای آزاد بگیرد پس کنیزان مؤمنه که مالک آن شدید به زنی اختیار کنید. این آیه به خوبی نشان می دهد که کنیزان از حقوق کمتری نسبت به زنان آزاد برخوردار بودند. در ادامه این آیه گفته شده چنانچه کنیزان عمل زشتی از آنها سرزند کیفر آنها نصف زنان پارسای آزاد است. اصلاً معلوم نیست در این دوره که برده داری به کلی مطرود شده چنین آیاتی به چه کار ما می آید. مگر قرآن بهترین راهنما برای همه زمانها نیست؟ اصلاً نگه داشتن این کنیزان و توقع اینکه کار خلافی هم انجام ندهند دور از انصاف نبوده؟ آیا با این خیل عظیم کنیزانی که پیشوایان دین داشتند. اینان از نظر نیاز جنسی در عذاب نبودند؟

آیه 31 این سوره باز هم نمونه ای از بی عدالتی خداست. در این آیه می گوید: آرزو و توقع بیجا در فضیلت و مزیتی که خدا به آن بعضی را بر تری داده مکنید.

آیه 33 می گوید: 0 مردان را بر زنان تسلط و حق نگهبانی است. به واسطه آن برتری که خدا بعضی را بر بعضی مقرر داشته. هم به واسطه اینکه مردان باید از مال خود به زنان نفقه بدهند. پس زنان شایسته و مطیع آنها هستند که در غیبت مردان حافظ حقوق شوهرانشان باشند و آنچه را خدا به حفظ آن امر فرموده نگه دارند و زنانی که از مخالفت و نافرمانی آنان بیمناکید باید نخست آنها را موعظه کنید اگر مطیع نشدند از خوابگاه آنها دوری گزینید. باز مطیع نشدند به زدن آنها را تنبیه کنید. چنانچه اطاعت کردند دیگر بر آنها حق هیچگونه ستم ندارید.

آیا برتری مردان بر زنان به این دلیل است که به زنانشان نفقه می دهند؟ مگر زنان در خانه کار نمی کنند و آیا مگر بسیاری از زنان دوشادوش مردان در بیرون از خانه کار نمی کنند. چرا باید زن را به واسطه نافرمانی کتک زد. چرا باید ما زنان مطیع بی چون و چرای مردان باشیم. مگر برده مردها هستیم. مگر زن قدرت تعقل ندارد که بداند چه چیزی برای او خوب و چه چیزی بد است. چرا نباید بدون اجازه اینان از خانه بیرون برویم. حتی خانه پدر رفتن بدون اجازه شوهر جرم است. گفتن اینکه چنانچه آنان اطاعت کردند دیگر حق هیچگونه ستمی بر آنها ندارید به این معنی است که به زور کتک هم که شده آنها را مجبور به اطاعت کنید.

آیه 42 این سوره می گوید: ای اهل ایمان هرگز در حال مستی به نماز نیایید تا بدانید چه می گوید و نه در حال جنابت مگر آنکه مسافر باشید. تا غسل کنید و اگر بیمار بودید یا قضای حاجتی دست داده باشد. یا با زنان مباشرت کرده باشید و آب برای تطهیر و غسل نیافتید. در این صورت به خاک پاک تیمم کنید. آنگاه صورت و دستها را به آن مسح کنید اگر وضو و غسل برای پاکیزگیست. نه تنها در موقع عمل جنسی بلکه در زمانی که گرما بر انسان مستولی می شود نیز پوست از طریق تعریق قسمتی از مواد زاید را دفع می کند. حال چگونه این مواد دفع شده و به سطح پوست آمده با تیمم زوده می شوند؟

آیه هایی که جهنم را به بدترین وجه ممکن به تصویر میکشند در قرآن فراوانند. خدا در قرآن بیشتر به صورت يك جلد کینه توز جلوه می کند تا يك خدای مهربان. نمونه کوچکی از این آیات آیه 55 سوره نسا است که می گوید: آنان که به آیات ما کافر شدند به زودی به آتش دوزخشان در افکنیم که هر چه پوست تن آنها بسوزد به پوست دیگرش مبدل سازیم تا سختی عذاب را بچشند.

حال به آیه 87 این سوره نگاه کنید و عدالت خدا را ببینید. که چگونه انسانی به سبب خواست خدا باید در آتش بسوزد چرا شما درباره کافران به دو فرقه شدید. آنها در باطن کافرند و خدا آنها را به کفر اعمال زشتشان می رساند. آیا شما می خواهید کسی را که خدا گمراه کرده هدایت کنید؟ در صورتی که هر که را خدا گمراه کرده هرگز تو بر او راهی نخواهی یافت.

آیه 88 می گوید: منافقان و کافران آرزو کنند که شما مسلمین هم به مانند آنها کافر شوید تا همه برابر و مساوی در کفر باشید پس آنها را تا در راه خدا هجرت نکنند دوست نگیرید و اگر مخالفت کردند آنها را در هر کجا یافته گرفته و به قتل رسانید و از آنها یاور و دوستی نباید اختیار کنید. اگر در اندیشه من هزاران خدا وجود داشته باشد. هیچ لطمه ای به انسان های دور و برم نخواهد زد.

این جنگ و خونریزی به خاطر تحمیل عقیده است که آسایش را از اجتماع بشری دور می سازد.

آیه 91 این سوره می گوید: هیچ مؤمنی را نرسد که مؤمنی را به قتل رساند. مگر آنکه به اشتباه و خطا مرتکب آن شود. در صورتی که به خطا مؤمنی را مقتول ساخت باید به کفاره این گناه بنده مؤمنی را آزاد کند و خونبهای آن را به صاحب خون تسلیم کند. مگر آنکه دیه را ورثه به قاتل ببخشند. اگر این مقتول با این که مؤمن است از قومی است که با شما دشمن و محارب است در این صورت قاتل (در اینجا جمله به عربی ناتمام است) به ترجمه عربی توجه کنید:

فان كان من قوم عدوكم و هو مؤمن. معلوم نیست در این صورت قاتل چه چیزی ادامه این جمله هست ؟ در متن فارسی در پرانتز نوشته شده (دیه ندهد) اما این فعل مرکب در متن عربی قرآن وجود ندارد. اما در ادامه می گوید: لیکن بر اوست که بنده مؤمنی را آزاد کند و اگر مقتول از قومی است که بین شما و آن قوم پیمان بوده پس خون بها را به صاحب خون بپردازد و بنده مؤمنی را نیز به کفاره آزاد کند. اگر بنده مؤمنی را نباید بایستی دو ماه متوالی روزه بگیرد.

دقت کنید که کفاره کشتن را آزاد کردن بنده مؤمن مقرر کرده است. که این دستور برای زمان ما کاربردی ندارد و گفته شده اگر بنده مؤمن پیدا نشد به کفاره آن دو ماه متوالی روزه بگیرد. یعنی این که اسیران غیر مؤمن انسان نیستند که حتی در صورت پیدا نکردن بنده مؤمن کسی سراغ آنها نخواهد رفت. اما روزه گرفتن آن هم دو ماه متوالی چه دردی از درد های اجتماع را دوا می کند. فقط از نظر جسمی به شخص آزار می رساند. اما برای مصون بودن جامعه از شر قاتلین کاری از پیش نمی برد.

آیه 115 می گوید: خدا هر که را به او شرک بیاورد نخواهد بخشید و مادون شرک گناهان دیگر را بر هر که مشیتش تعلق گیرد می بخشد. و هر که به خدا شرک آرد سخت گمراه شده شرک این است که برای خدا شریک قایل شویم. یا خدا را عاری از صفاتی که به آنها وصف شده بدانیم. مثلاً "قبول نداشته باشیم که خدا عادل است. اما آیا اگر کسی به هزار خدا اعتقاد داشته باشد یا اینکه اصلاً به خدایی اعتقاد نداشته باشد. بیشتر به جامعه آسیب می رساند. یا حق کشی" دزدی" تهمت" تجاوز" دروغ" ریا. . . .

آثار بد اجتماعی کدام يك بیشتر است؟ آیا مسلمانان با یکتاپرستی خود تا به حال مرتکب هیچگونه جنایت در دنیا نشده اند؟ این آیه خدایی حسود را در ذهن مجسم می کند. همانند یهوه خدای یهودیان که می گوید تنها مرا پرستش کنید که من یهوه خدای حسودم.

طبق این آیه گناهان کسانی فقط بخشیده خواهد شد که مشیت خودش به آنها تعلق گیرد نه گناه هر کسی.

آیه 159 سوره نسا می گوید: پس به جهت ظلمی که ملت یهود کردند و هم به جهت اینکه بسیاری از مردم را از راه خدا منع نمودند ما نعمتهای پاکیزه خود را بر آنها حرام کردیم آنچه که از این آیه استنباط می شود این است که حلال و حرام خدا

کاري به ضرر يا به نفع آن ندارد. بلکه تنها جنبه انتقام گيري دارد. آيه اي نظير اين آيه مرا به اين باور مي رساند که اگر حضرت محمد در عمرش يك شراب خوب خورده بود هيچ وقت آن را حرام نمي کرد. همانطور که در ابتدای اسلام شراب حرام نبود.

در آيه 163 اين سوره مي گويد خدا به طور آشکارو روشن با موسي سخن گفت. در جاي ديگر ديديم که قوم موسي از او خواستند که خدا را با چشم خود ببينند و خدا به صورت صاعقه اي نوراني بر آنها نمايان شد.

خداي ناديدني براي يك بار ديدني مي شود و با کلام خود با پيغمبرش حرف مي زند. اگر حضرت محمد برترين پيامبر خداست. چرا خدا با موسي با صوت خود حرف زد اما براي حرف زدن با محمد جبرئيل را فرستاد. آيا اگر بگويم خدا با کلام آشکار با موسي سخن گفت. به خدا جسميت نبخشیده ايم. آيا صوت براي توليد و انتقال نياز به محيط مادي از قبيل زبان، تارهاي صوتي، حنجره و غيره ندارد.

سوره مانده:

آيه 2 سوره مانده مي گويد: اي اهل ايمان حرمت شعائر خدا و ماه حرام را نگاه داريدو نيز متعرض هدي و قلاند نشويد. هدي و قلاند يعني قرباني حاجيان چه علامت قرباني به گردن آنها باشد چه نباشد.

کشتن حيواناتي از قبيل شتر گوسفند و... اگر براي گرسنه نماندن باشد. کاري اجتناب ناپذير است. اما لزوم وجود آن در مراسم حج براي چيست. خدا نياز به قرباني دارد؟ مگر شما با مراسم قرباني زرتشتيها مخالف نبوديد؟ سالهاي زيادي اين قربانيها معضل مهمي براي دولت عربستان بوجود آورده بود. چه قدر حيوان زبان بسته براي ادای اين مراسم کشته شدند که طبيعتاً با پول اين همه قرباني خيلي کارهاي مفيدتر مي شد انجام داد.

آيه 4 اين سوره مي گويد: امروز هر چه پاکيزه است بر شما حلال شد. طعام اهل کتاب بر شما و طعام شما بر اهل کتاب حلال شد و نيز حلال شد نکاح زنان پارسي مومنه و زنان پارسي اهل کتاب. در صورتی که شما اجرت و مهر آنها را بدهيد و آنها زناکار نباشند و رفيق و دوست نگیرند و هر کس به دين اسلام کافر شود عمل خود را تباه کرده...

طبق اين سوره شراب بايد براي مسلمانان حلال باشد. چون طعام آنها در اين آيه براي ما حلال شد. شراب در دين آنها حلال است. پس بايد براي ما هم حلال باشد. اما در ايران هرگز اجازه نمي دهند که زن مسلمان با مرد غير مسلمان ازدواج کند. به موجب اين آيه نبايد منعي در ازدواج با مرد غير مسلمان باشد.

آيه 14 اين سوره مي گويد: برخي از آنان که گفتند ما به کيش عيسي هستيم از آنها عهد گرفتيم. آنان نيز از آنچه پند داده شدند نصيب بزرگي را از دست دادند و ما هم به کيفر اعمالشان آتش جنگ و دشمني را تا قيامت ميان آنان بر افروختيم.

توجه کنيد که چگونه خدا به جاي برقراري صلح به بر فروزي آتش جنگ و دشمني مي پردازد. تا اين خدای فتنه گر در دنيا هست بشر روي آسايش را نخواهد ديد.

آيه 37 اين سوره مي گويد: دست مرد و زن دزد را به کيفر عملشان ببريد اين عقوبتي است که خدا بر آنان مقرر کرده و خدا مقتدر و داناست.

لازم به توضيح نيست که چقدر اين قانون خشن و غير انساني است و دردي را نيز دوا نمي کند. کسي که تنها وسيله امرار معاش يعني دستهايش را از دست داده براي بار دوم توجه بهتري براي عمل دزدي خویش خواهد داشت. آيا اين عادلانه است که مجازات دارايي از دست رفته را با قطع عضو جبران کنيم. در صورتی که مال از دست رفته به طرق مختلف قابل برگشت است اما دست از دست رفته دگر قابل بازيافت نيست. حتي اگر شخصي پس از دزدي پشيمان شد. ديگر با دست قطع شده در اجتماع جايي ندارد و از نظر رحي ضربات جبران ناپذيري به شخص وارد خواهد شد. از اين گذشته در صدر اسلام دست قطع شده دزدان را براي جلوگیری از خونريزي در روغن داغ فرو مي کردند که اين خود شکنجه اي افزون بر آنچه او مي کشيد بود. اما براي مرد مجرد متجاوز فقط 100 ضربه شلاق معين شده است. در صورتی که دزدي خسارت رساندن به مال کسي است. اما تجاوز يا زنا خسارت رساندن به جسم و شخصيت يك زن محسوب مي شود. دزد دست بریده به هر جاي دنيا که برود ننگ دزدي بر پيشاني اوست اما مرد زناکار با هجرت مي تواند خاطره اين شلاق خوردن را به دست فراموشي بسپارد. آيا دزدي بدتر است يا زنا؟ آيا در ايران اسلامي مردم از نظر مالي تامين هستند که براي دزد يك چنين مجازات سختي را در نظر گرفته اند. آيا با اين همه فقر و بيکاري مجازات دست بریدن مجازاتي عادلانه است؟ در صورتی که اگر کسي چيزي را غصب کند بايد مال غصب شده را بر گرداند و مجازات قطع دست براي کسي که مالي را غصب کرده در نظر گرفته نشده. فرق غصب با دزدي اين است که شخصي که مالي را غصب مي کند آن را به زور از آن خود مي کند. اما يك دزد به طور پنهاني مال را تصاحب مي کند کدام يك بدتر است؟

به قسمت دیگری از احکام جزایی قرآن توجه کنید:

آیه 44 این سوره می گوید: (و در تورات بر بنی اسرائیل حکم کردیم که نفس را در مقابل نفس قصاص کنند و چشم را به مقابل چشم و بینی را به بینی و گوش را به گوش و دندان را به دندان و هر زخمی را قصاص خواهد بود. پس هر گاه کسی به جای قصاص به صدقه راضی شود نیکی کرده و کفاره گناهان او خواهد شد و هر کس خلاف امر خدا حکم کند چنین کس از ستمکاران خواهد بود.)

با قصاص کردن هیچ دردی از دردهای کسی که مورد ظلم قرار گرفته درمان نمی شود. به جز اینکه اثرات این قصاص ضربات جبران ناپذیری بر روحیه افراد باقی خواهد گذاشت. اگر کسی مرتکب عمل زشتی نسبت به هم نوع خود بشود. شخص انتقام گیرنده. شخصیت خود را تا حد آن انسان پست پایین آورده. از طرفی در یک آیه گفته شده اگر مؤمنی مؤمن دیگر را کشت. دیه او را به صاحب خون بدهد (برای پیکر انسان قیمت تعیین می کنند. فرقی نمی کند که این مقتول یک دانشمند باشد یا یک دیوانه) و کفاره گناه را یا یک بنده آزاد کند یا روزه بگیرد. و از طرف دیگر قصاص را پیشنهاد می دهد.

بوده اند خانواده هایی که پس از گرفتن قصاص پشیمان شده اند و همینطور بوده اند انسان هایی که به جای قاتل اصلی قصاص شده اند. آیا کسی که چند نفر را به قتل رسانده با قصاص عدالت رعایت می شود. آیا بهتر نیست در زندانها از نیروی کار آنها استفاده کرد؟ من فکر می کنم مرگ راحت تر از زندگی مادام العمر در زندان است. چه بسا پس از سالها بیگناهی بعضی از قاتلان به اثبات می رسد.

از طرفی قاتلین ثروتمند، از کشتن ابایی نخواهند داشت چون با پرداخت دیه می توانند از زیر بار قصاص فرار کنند.

آیه 51 می گوید: ای اهل ایمان یهود و نصاری را به دوستی نگیرید. آنان بعضی دوستدار بعضی دیگرند و هر که از ما مؤمنین با آنها دوستی کند، به حقیقت از آنان خواهد بود و همانا خداوند ستمکاران را هدایت نخواهد نمود.

آیه 115 می گوید: و یاد کن آنگاه که خدا به عیسی بن مریم گفت آیا تو به مردم گفتی من و مادرم را دو خدای دیگر سواي خدای عالم اختیار کنید.؟ عیسی گفت خدایا تو منزهی هرگز نرسد مرا که چنین سخنی به ناحق گویم چنانچه من این گفته بودم تو می دانستی که تو از سرانر من آگاهی و من از سر تو آگاه نیستم همانا تویی که به اسرار غیب جهان آگاهی در اینجا خدای که دانای مطلق هست فراموش می کند که راز کسی بر او پوشیده نیست و این عیسی است که این مطلب را به او متذکر می شود.

سوره انعام:

آیه 24 این سوره می گوید: بعضی از اینان به سخن تو گوش فرا دادند. ولی ما به واسطه عنادشان با رسول حق پرده بر دلهایشان نهادیم که فهم آن سخنان نتوانند کرد و گوشه‌های آنها از شنیدن سخن حق سنگین است که اگر همه آیات الهی را مشاهده کنند باز به آن ایمان نمی آورند تا آنجا که چون نزد تو آیند در مقام مجادله بر آمده می گویند این آیات چیزی جز افسانه پیشینیان نیست آنچه از ظاهر این آیه بر می آید این است که مردم عربستان با داستان های قرآن آشنایی داشتند و درباره منبع وحی آنها شك داشته اند. خدا هم به جای اینکه به حضرت محمد کمک کند. با دوستی خاله خرسه خود کار محمد را دشوار تر می سازد. یعنی پرده بر دلهای آنها می زند که حتی اگر همه آیات خدا را مشاهده کنند باز ایمان نمی آورند.

آیه 31 می گوید: دنیا جز بازیچه کودکان و هوسرانی بی خردان هیچ نیست. همانا سرای دیگر اهل تقوی را از سرای دنیا بسیار نیکوتر است. آیا تعقل و اندیشه در این نمی کنند.

آیا در سن 25 سالگی به خاطر ثروت با زنی 40 ساله ازدواج کردن و در طول زندگی 25 زن گرفتن در سن 53 سالگی با دختری 9 ساله ازدواج کردن علامت حب دنیا نیست.؟ آیا داشتن انگشتری که نگین یا قوت آن به قیمت خراج يك سال شام است حب دنیا نیست؟ آیا درخواست امام حسن در صلحنامه معاویه برای تعلق گرفتن خراج دارابگرد فارس حب دنیا نیست؟ آیا به دنیا آمده ایم که زجر بکشیم؟

آیه 96 می گوید: و نیز اوست که چراغ ستارگان را برای راهنمایی شما در تاریکیهای بیابان و دریا روشن داشته همانا ما آیات خود را برای فهم اهل فکرت به تفصیل بیان کردیم

4 میلیارد کهکشان وجود دارد که هر کدام 4 میلیارد ستاره دارند. بعضی از آنها آنقدر از ما دورند که میلیونها سال طول می کشد تا نور آنها به ما برسد. آیا پذیرفتنی است که آنها برای راهنمایی ما در بیابان ها و دریاها روشن شده باشند.

آیه 99 می گوید: و کافران گروهی اهریمنان را شریک خدا دانستند در صورتی که آنها آفریده خدا هستند و گروهی پسران و دختران برای خدا پنداشتند در صورتی که خدا از همه این نسبتها که بر او وصف می کنند برتر و منزّه است.

در آیات دیگر گفته شده خدا همه چیز را نیک آفرید. اما در اینجا می گوید اهریمنان مخلوق خدایند. یعنی این که خدا منشاء شر می باشد. مراد این آیه زرتشتیان هستند. که منشاء شر را جدا از ذات خدا می دانند.

سوره الاعراف:

آیه 10 این سوره می گوید: همانا شما آدمیان را بیافریدیم و آنگاه بدین صورت کامل بیاراستیم فرشتگان را به سجده آدم مأمور کردیم جز شیطان که از جمله سجده کنندگان نبود.

وقتی از مفسرین می پرسیم چرا خدا در قرآن همواره از فعل جمع استفاده می کند؟ می گویند مراد همه آن چیز است که دست اندر کار امور عالماند مثل فرشتگان در این صورت خدا برای انجام کار هایش به دستیار احتیاج دارد و گرنه فرشته ها در کمال مطلق خود خلق شده اند و قرب خدا نمی تواند دلیل خلق فرشته ها باشد. در این آیه به خصوص که می گوید فرشتگان را به سجده آدم مأمور کردیم، دست اندرکاران فرستادن پیام خدا به فرشتگان چه کسی بوده (در اینجا به فرشتگان امر شده و خودشان نمی توانند از دست اندرکاران باشند) یا اینکه خدا بلد نبوده از فعل مفرد برای بیان دستورانش استفاده کند بعضی می گویند هر آنچه خدا آفریده همه نیکو بوده است. بدیها همه بعداً" توسط شیطان به وجود آمد. بین خدای زرتشت و خدای اسلام تفاوت است. چون شیطان آفریده خداست اما اهریمن در دین زرتشتیان خود خالقی است که بدیها را آفریده.

حال به آیه 15 این سوره توجه کنید:

شیطان گفت چون تو مرا گمراه کردی من نیز بندگان را از راه راست که شرع و آیین توست گمراه گردانم.

از این آیه نتیجه گیری می کنیم که خدا با گمراه کردن شیطان مسببات گمراه کردن نوع بشر را فراهم کرده. اما خدای زرتشت باعث گمراهی شیطان و انسانها نمی شود. این مطلب به این معنی نیست که دین زرتشت را تأیید کنم. چون دین زرتشت هم به خرافات آلوده شده. منظور من این بود که خدایی که پیش از اسلام داشتیم بسیار متعالی تر از خدای اسلام بود. چون سر منشاء بدیها را دور از ذات خدا می داند. زرتشت به بهترین نحو ممکن برای بشر بدوی دوران خود "خدا را وصف کرد. در هیچ جایی گاتاها دیده نشده که زرتشت مردم را به پرستش اهریمن تشویق کند. آیا مگر پرستش به معنی حمد و ثنا گفتن خدا نیست. زرتشت بسیار زیبا با خلق ذهنی اهریمن که آن هم فقط سمبول بدیهاست. نه این که به ذات خود وجود خارجی داشته باشد صفات بد را دور از ذات خدا دانسته است. و این با دو گانگی پرستی بسیار متفاوت است. در آن زمان که مردم خدایان گوناگون می پرستیدند فقط یک نابغه می توانست تصویری اینچنین زیبا برای بشر آن دوران بسازد.

سوره انفال:

آیه 1 این سوره می گوید:

چون امت از تو حکم انفال را سؤال کنند بگو انفال مخصوص خدا و رسول است. در این صورت شما مؤمنان باید از خدا بترسید و بلکه در رضایت و مسالمت و اتحاد بین خودتان بپردازید و خدا و رسول را اطاعت کنید.

و در آیه 41 می گوید: و ای مؤمنان بدانید که هر چه به شما غنیمت و فایده رسد خمس آن خاص خدا و رسول و خویشان او و یتیمان و فقیران و در راه سفر ماندگان است.

توجه کنید که با نزول این دو آیه چگونه پیامبر خودش را با مال مردم شریک می سازد.

در آیه 72 این سوره می بینیم که خدا پرچم دشمنی را حتی بین مسلمانان تنها به این دلیل که هجرت نکرده اند علم می کند. دقت کنید:

آنان که به خدا ایمان آورده و هجرت کردند و در راه خدا با مال و جانشان کوشش و فداکاری کردند و هم آنان که به مهاجرین منزل دادند و آنها را یاری کردند و دستار یکدیگرند و آنهايي که ایمان آوردند لیکن هجرت نکردند هیچ شما دوستدار و طرفدار آنها نباشید تا وقتی که هجرت نکنند.

سوره توبه:

بعضی می گویند هر جا که قرآن دستور قتل کافران داده به دلیل دفاع بوده اسلام به ذات خود ستیزه جو نیست. به این آیه 5 از سوره توبه توجه کنید:

پس چون ماهی حرام ذی قعده' ذیحجه' محرم و رجب که در گذشت آنگاه مشرکان را هر جا بیابید به قتل برسانید و آنها را دستگیر و محاصره کنید هر سو در کمین آنها باشید. چنانچه از شرک توبه کردند و موحد شدند و نماز اسلام به پا داشتند و زکات دادند پس از آنها دست بردارید.

توجه می کنید که در این آیه گفته نشده در مقابل کافران از خود دفاع کنید. بلکه بهانه این قتال نماز نخواندن ' زکات ندادن' و موحد نبودن می باشد.

آیه 23 می گوید: ای اهل ایمان شما پدران و برادران خود را نباید دوست بدارید اگر آنها کفر را بر ایمان برگزینند و هر کس از شما آنها را دوست بدارد بی شک ستمکار است

به آیه 28 و 29 توجه کنید:

ای کسانی که ایمان آوردید محققاً" بدانید مشرکان نجس و پلیندو بعد از این سال نباید قدم به مسجدالحرام بگذارند و اگر در اثر دور شدن تجارت و ثروت آنها از شما از فقر می ترسید خدا شما را به فضل و رحمت خود از مشرکان بی نیاز خواهد کرد که او داناست و در کمال عنایت و حکمت است و در آیه 29 می گوید: با اهل کتاب که ایمان به خدا و روز قیامت نیاورده و آنچه خدا و رسولش حرام کرده حرام نمی دانند و به دین حق نمی گروند قتال و کارزار کنید تا آنگاه که با ذلت و خواری به اسلام جزیه دهند.

در اینجا دلیل کارزار شرک نیست چون اهل کتاب یکتا پرست بودند. آنچه بهانه جنگ است پرداخت جزیه آن هم با خواری و ذلت می باشد. در یک جای قرآن خدا قوم بنی اسرائیل را بر عالمیان برتری داده و در جای دیگر امت عیسی را تا قیامت بر کافران برتری داده و در اینجا دستور جنگ با همین قوم برگزیده را صادر می کند. !!!!!!

مگر در آیه 4 سوره مائده نگفت که بر شما طعام اهل کتاب حلال شد و طعام شما نیز بر آنها حلال شد. علت این تناقض گویی در چیست؟ چرا در اینجا حکم را عوض می کند و می گوید اگر آنچه را که خدا و رسولش حرام کرده حرام نمی دانند با آنها کارزار کنید. آیا این دلیل موجهی برای کشتن یک انسان است.

آیه 33 می گوید :

ای اهل ایمان بسیاری از علما و راهبان اموال مردم را به باطل طعمه خود می کنند و خلق را از راه خدا منع می کنند و کسانی که طلا و نقره را گنجینه و ذخیره می کنند و در راه خدا انفاق نمی کنند از حب دنیا آنها را به عذاب آخرت بشارت ده

در این آیه دوست داشتن دنیا و مال اندوزی و دایه مهربان تر از مادر نبودن (انفاق نکردن) تنها دلیل سوختن در آتش جهنم است.

آیه 103 می گوید:

ای رسول ما تو از مؤمنان صدقات را دریافت کن تا بدان صدقات نفوس آنها را پاکیزه گردانی و آنها را به دعای خیر یاد کن که دعای تو در حق آنها موجب تسلی خاطر آنان شود.

و در آیه 104 می گوید آیا مؤمنان هنوز ندانسته اند که خدا محققاً" توبه بندگان را می پذیرد و صدقه آنها را قبول می کند دقت کنید که چگونه پول باعث پاکي نفوس و قبول توبه می شود. یعنی باید به خدا باج بدهیم آن هم با صدقه.

آیه 112 می گوید: پیغمبر و گروندگان به او نباید برای مشرکان هر چند خویشاوندان آنها باشند از خدا آمرزش بطلبند بعد از آنکه آنها را اهل دوزخ شناختند.

سوره یونس:

آیه 5 این سوره علت آفرینش ماه و خورشید را را وسیله ای برای شمارش سنوات و حساب ایام اعلام می کند!!!! آیه 66 این سوره می گوید: (او خداوندی است که شب تار را برای آسایش و روز روشن را مقرر فرمود که در آن نشانه های قدرت خدا برای مردمی که سخن حق را بشنوند پدیدار است)

آیا خدا نمی داند که در بعضی از جاهای این کره خاکی 6 ماه شب و شش ماه روز است؟

سوره هود:

آیه 106 سوره هود می گوید: آنها در آتش دوزخ تا زمین و آسمان باقی است مخلدند. مگر آنکه مشیت خدا بخواهد نجاتشان دهد. که البته خدا هر چه بخواهد می کند.

در اینجا خدا فراموش کرده که در سوره واقعه کره زمین را نابود کرد و از طرفی علم نجوم خدا نیز ضعیف است. چون دانشمندان علم نجوم کشف کرده اند که همه ستارگان سیاره های منظومه خود را می بلعند. برای مثال کره زمین در حدود 4 میلیارد سال دیگر توسط خورشید بلعیده خواهد شد. بنا بر این جهنم نمی تواند جاویدان باشد (طبق این آیه).

سوره یوسف:

آیه 24 این آیه می گوید: آن زن در وصل او اصرار و اهتمام کردی و اگر لطف خاص خدا و برهان روشن حق نگهبان یوسف نبود او هم به میل طبیعی اهتمام کردی ولی ما میل او را از قصد و عمل بد بگرداندیم. همانا او از بندگان معصوم و پاکیزه است

این آیه از آیه هایی است که پیامبران را فقط به دلیل اینکه مورد لطف خدا بوده اند از گناه بری می داند و نیروی وجدان و آگاهی از آثار بد گناه به هیچ وجه تأثیری در این معصومیت نداشته است.

دین ارثی ۳

درفش کاویانی



<http://derafsh-kavivani.com/parsi>